بررسی و نقد روش‌شناسی هرمنوتیک در علم سیاست
مرتضی شیرودی

چکیده
هرمنوتیک یا روش تفسیری، با عماری همبانی انسان، همواره در عصر باستان و قرون وسطی، به مدد تفسیر انسان در تحلیل طبیعت و متن آمده است. اما هرمنوتیک به عنوان روشی علمی برای درک نیت مؤلف یا گوینده، به قرون جدید و به ویژه به عصر روش‌گری قرن هجدهم در غرب برگزیده و پس از آن، به شیوه‌ای مطرح و قابل توجه در تحلیل حوادث در عرصه علوم انسانی تبدیل شد. ولی با وجود ادعای هرمنوتیک مبنی بر تلاش در رفع خورشدهای تحقیق‌نابینده علوم انسانی، چندان نتوانسته است علت علوم انسانی برای راه یافتن به تحقیق واقعی و تحلیل آن را تأیید نماید. لذا این سوال مطرح می‌شود: چرا هرمنوتیک با وجود برخورداری از قدمت تاریخی و بهره‌مندی از داده‌های علمی علی‌رغم قرون جدید، نتوانسته نیازهای روش‌های تجربی در تحلیل پیدا‌های سیاسی را برطرف نماید؟ این سوالی است که مقاله حاضر در پی پاسخ به آن است.

کلید واژه‌ها: دین، روش‌شناسی، هرمنوتیک، علم سیاست و علوم انسانی

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
مقاله حاضر می‌کوشد با یکن چیستی، ماهیت و تعریف هرمونوتیک و یا طرح سابقه تاریخی هرمونوتیک قدیم و جدید، و نیز با ذکر دلایل بایدن، امتداد و کاربرد های آن، به عنوان یک روش علمی و محدودیت‌گذاری‌ها روش تفسیری و انتقاد وارد به آن، پاسخ‌های سوال مذکور (تأثیری هرمونوتیک در رفع روش‌های تجربی در تحلیل پیده‌های سیاسی) بیان، و با رابطه آن با علوم انسانی مشخص می‌گردد و مهم‌تر از آن، در یپ ازبایی هرمونوتیک، با برخی از اموزه‌های دینی، ارتباط آن با دین مورد بررسی می‌گردد.

چیستی معنی هرمونوتیک

در دایره المعارف کلیمی، هرمونوتیک به نظریه و عمل تفسیر، تعبیر و تفسیری ترمجها شده است. در برگردان وازه، به زبان فارسی، هرمونوتیک به معنای تفسیر، بیانش و تأویل، ترمجها شده است که البته تا اوایل، ترمجها دقیق و روی اساس زیرا به معنای نهفته در پس هر چیز است و این همان چیز است که در هرمونوتیک می‌نظر است، وازه هرمونوتیک در اصل از لحی قرآن مشتق گردیده است. هرمس در استعاره بیانی رویا به شمار می‌رود که فرزند رؤس است و رؤس کسی است که بیان‌ها و خداوند را گرفته و به انسان‌ها می‌رساند. هرمنوتیک در حقیقت آنچه را که را روانی و اندیشه بیش از است، به حوزه تفریکی یا منقل می‌سازد و باعث کشف رمز و معنای نهفته در هر چیز می‌شود، لذا هرمنوتیک به معنای کشف رمز اسرار است که در یک متن و جامد. به یبت دیگر، علم هرمنوتیک یا تفسیری فهم، عمل و فن فهم زبان و نتیج گونه‌بندی (گفتار) یا تونسنج‌دانسته (مت) یا تفسیر کلام دیگران است، در آنچه از همه است، بلاتکلیف، با توجه به کد، کلید فهم هرمنوتیک، زبان است. هرمنوتیک به دنبال فهم رفتار اجتماعی و سیاسی از طرف وارسو عمیق درونی درباره ماهمت تصویر انسانی، فراوراها گردی و انگیزه‌های اولست. هرمنوتیک به دنبال یپ بردن به قصد و نتیج خالق یک اثر و بلا از نتیج نزدیک شدن به آن می‌باشد و این همانی است که فذوک آن را به شکستن نفس اهمیت دهن، تعبیری می‌کند (منوچری، 1386، 123).

معنا و مفهوم رهافت تفسیری را از طریق شناخت رهافت تفهیمی و پیدا‌شناسی که از ابیات و مفهوم رهافت تفسیری به شمار می‌آید، هم می‌توان دید.

روش تفهیمی رهافت تفسیری، تلاش برای اشکال نمودن معنا و باید استیلی به معنا هیچ نقطه شروع حقیقی وجود ندارد، زیرا هر قبیل قبایل از دنیای فهم گردد (دروه هرمنوتیکی).
در روش تفکیکی به چهار مؤلفه متن، مؤلفه زنده‌بینگی و تفسیری توجه می‌شود در این رهیافت، زندگی برخسب معنی، دیده می‌شود و در آن به جای مشاهده، بهداشت نسبی یا تجربه درونی رصد می‌گردد.

در رهیافت تفکیکی، موضوع مطالعه در متن قرار دارد و لیا در رهیافت طبیعت‌گرا یا خارج از متن قرار دارد.

روش‌های تفسیری و از جمله روش تفکیکی، کلی‌گرا هستند و به تحلیل و متناولی پدیده می‌پردازند. اما روش‌های طبیعتی، جزء مخزن و نیز به تحلیل یا علت بالا بلندیده‌ها توجه دارند (خانه‌ای، 1382، ص 15).

رهیافت تفکیکی موسک و بیر دارای چند مؤلفه زیر است:

1. تفکر: منسور باید خود را چگونه عامل قرار دهد.
2. نوع خاص: ساختن غیر واقعی‌کننده که می‌پندایند تا بتوان از طریق آن، واقعیت موجود را درک نمود و کشف کرد.
3. نگرش ارزشی: در تبیین تاریخ، محقق باید دارای نگرش ارزشی باشد و با آن، پیدا کنند و نظر را پرورشی کند.
4. نسبت روشی: باید به یک عامل ثابت یا مبهم کننده در همه جا استفاده کنند. یعنی، تفسیر تک‌بعدهی از تاریخ غلط است.

یک‌گاهی در علوم اجتماعی به دلیل ارتباط پیدا شده‌ها با روان آدمی، محقق باید خود رابا آن همدل کند.

کنش معنا‌دار: کشی است که از نظر دلهره، قابل درک باد.

کنش اجتماعی: عمل مشترک دو یا چند کنش‌گر در یک موضوع واحد است.

کف‌آفت مواجزی و کف‌آفت علی، از دو گروه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده رهیافت تفکیکی و هستند.

پدیدارشناسی از جمله رهیافتهای تفسیری است که در پی گفت‌سنن谛ت اعمال و وجود است. یعنی، فهم انسان به وسیله خود انسان. پدیدار به تعبیر هایدگری، آن چیزی است که خود را نشان دهد. در پدیدارشناسی، هدف آن است که اجازه دهیم تفکر انسانی و خود را نشان دهد. بنابراین، پدیده‌ها به توضیح به‌دست آمده و توصیف هر دو چنین، پیشتر نشان داده شده با خودشان سخن می‌گوید و وظیفه ما نهایی این است که آماده شدن باشیم. در پدیدارشناسی، در عالم بودن انسان تأیید می‌شود و نمونه‌ای می‌شود و مثال می‌گردند. در نتیجه، پدیدارشناسی با عویقی گویی پزشکی رفتاری، تفاوت دارد و نیز به دستگاه‌ها نیاز به تفسیری متفاوت است. در عالم بودن انسان، رؤیتی بازمی‌ماند و این امر سیاسی و ساخته‌ای و محدودیت‌ها است. پدیدارشناسی بر بین‌بندی دهشتی که بین الابهای استوار است و این یعنی این که برای فهم حقیقت‌های خوشب با شخص دیگر
ارتباط برقرار گذاری دیگران در اموری که در مورد علت مسئولیت می‌باشد، دریافت به صورت مرجع من و معرفت من نسبت به خودم است. پیدارشناسی همان درخواست تهیه‌یاً یا رخصت به کار گرفتن چشی است که از ما، نهان است. اگر به ظاهر می‌رسد، تنها به یکی از شاهانه‌های خود چیزی است، یعنی، پذیرش حققت، تابی است. در قدرت پدیداری در ظاهر.

کردن خوش (سالنافکسی). 1384. 29.

ساخت قابلی در بین چیستی مفهوم هرمونوتیک در ذهنی عاطف از ما توان به شرح زیر خلاصه کرد:

1- علم هرمونوتیک به مباحث علم تفسیر کتاب مقدس اولین معلمانی بود که در عصر جدید مورد توجه قرار گرفت. این معنا با جنیه پروتستانتهای، گره خودده است که با نقش صلاحیت کلیسای با عنوان تحت نهاد مفسر کتاب مقدس، نمای شاهانه خود عیان‌بستگی متفکر مقدس را نمایش دهد، لذا علم هرمونوتیک به معنی تنظیم تفسیر کتاب مقدس مورد توجه قرار گرفت.

2- دوویلر تحقیق در مبانی هرمونوتیک، فعالیت شیلاتری بوده که درصد ساختار نظریه علم تأویل علم هرمونوتیک به ابداع یا برآمد نظریه‌ای که بتوان آن را در مورد متن اولین دیده‌نامه‌های به کاربست.

3- سوسمن معنای هرمونوتیک در ذهنی معنی، برداشت دقتی از آن است که هرمونوتیک است که هرمنوتیک چیست؟ نباید بررسی شناختی علم‌نامه‌ای باشد. وی علم هرمنوتیک را نمایش دهد و نظر به علوم علم‌نامه‌ای علم فرهنگی، در مقابل علم تبدیل در نظر می‌گیرد، از نظر وی، در نظر چه افرادی علوم علم‌نامه‌ای علم فرهنگی، چه می‌تواند، و نظر درکی کشف نیازان اهداف، وزن و شخصیت‌های سازنده تاریخ است.

4- معنای چهارم هرمنوتیک، پیدارشناسی وجود و پیدارشناسی مهم و جویده است که مناسب به هریگ می‌باشد. آیا به طور کلی فلسفه وجودی خود را به جای روش‌شناسی و معرفت‌شناسی بر می‌گردد. یا هرمنوتیک را از روش، به فلسفه یا وجودشناسی تبدیل نمود.

5- پنج‌مین معنای هرمنوتیک، برداشت گذاری از آن است. هرمنوتیک گذاری که هرمنوتیک فلسفی بوده، به نحوی اندام‌های می‌گردد. است و به نیازهایی که به پرسش‌های چگونه امکان فهم، پاسخ دهد و در تلاش برای چه فهم اینی که دستک این است که در وراثه خوانده و فکر ما چه اتفاق می‌افتد و منطقی و حاصلات موثری در تحقیق این واقعی چیست؟

6- هرمنوتیک فرهنگی از آنی در نهضت هرمنوتیک در تفسیر قواعد حاکم به تأویل منفی خاصی از مجموعه‌ای از نشانه‌ها به طبقه متغیر می‌داند.

(اصدیله: اندیشیده. 1382. 12. 5 و ریکر. 1382. 12. 13.)

تاریخچه علم هرمنوتیک

گذاره‌های آغازین رهمنوتیک را نهایت اصلاح دنبال می‌داند. اما برای آن از راثرتام‌سی می‌گیرد و لذا. آن را به شیلاتری خارجی می‌گردد. سپس حیثیت و آن است که شیلاتری را به‌پرداخت.
ئرمه‌نونیک در علم سیاست
اصارت او، مسئله حلقوی بودن فهم است. حلقه هرمونوتیک، تأکید بر این نکته که چگونه جریه و گیک در فرآیندهای فهم و تفسیر به صورتی حلقوی به یکدیگر مرتبط می‌باشد. فهم اجرا برای فهم کلی ضروری است. در حالی که برای فهم اجرا ضروریان کلی را باید درک کرد. شلیک‌زدن در این زمینه امکانی نیست. منتقد است و مسئله سوء فهم، اما را به وراثه تفسیر ذهنی نمی‌کشاند. این نکته، یکی از نوعی استفاده از هرمونوتیک فلسفی است. هرمونوتیک فلسفی، مفهوم محسوس است. آمار از دید شلیک‌زدن، رسانه‌های هرمونوتیک با درباری زهی و فردیت مؤلف است (زروفت، 1380، 7). 

این ایده، دیلنیا را تحت تأثیر قرار داده و به مصداق برآماد تا تعمیم آن به کلیه علوم انسانی، روش شناسی عمیق برای رسیدن به این همبستگی و بارزایی به دست آورده و نحوه توجه است. تأثیرات فیزیکی در قرن نوزدهم، روشن‌شناختا را با این پرسش‌ها به واسطه روت رو به رو ساخته که آیا فهم عقیده و راستی مختصر علوم جنبی است و علوم تاریخی از آن بهره‌مندی؟ تحت تأثیر تاریخگویی، تحقیق در امکان وجود فهم عقیده و مطلق در علوم تاریخی، دغدغه اصلی روش‌شناختی قرن نوزدهم بوده و عقیده که تاریخ گروهی در امکانات آن تبدیل چند افکنده بود. دیلنیا در زمینه دوم واقعیت متفکری بود که عمیق و روش‌های با مشکل روشن‌شناختی تاریخ گروهی درگیر شد و کوشیده بر پایه سنت هرمونوتیکی، به حلال آن پرداخت. هدف دیلنیا، صورت دادن کاری شیبی کار کانت در زمینه تحقیق مبانی علوم بود.

دیلنیا می‌دانست که نه تنها موضوعات علوم انسانی خصوصاً تاریخی دارند، بلکه مفسر و مورخ نیز وجود دارند و این امر به تاریخسنجی کمک می‌کند. در نظر اینجاست که در صورت اینکه با تاسیس‌های مختلف در سال داده‌ها و نتایج پیشنهاده شناسی و تاریخ‌نگاری بوده‌اند و در اندازه‌گیری و ارائه با توجه‌های مجزای مجزای می‌شوند، مفهوم بود روش‌شناختی حیات که غایب و در هدف علوم انسانی است، به کلی مفتاوت با شناختی است که در علوم طبیعی، جستجو می‌شود.

اصارت دیلنیا مبنی بر نحوه وجود روش‌شناختی خاص برای علوم انسانی و تاریخی، ارتباط ندیکی با فلسفه حیات او دارد. تشکیل و تئوری مقولات عام زندگی، بر اساس اصول دیلنیا در پناهندگان روش‌شناختی خاص علوم انسانی و فرهنگی است. ارتباط درونی و پیوندی قدرت، هدف و مهم‌ترین موضوع مورد تأکید است. ارزیابی کامیابی دیلنیا در ارائه رویه برای استفاده در علم انسانی باید در یافتن به علوم انسانی عقیده در گروه‌ها در پایین می‌رود و در غیب بر تاریخ‌نگاری است. بی‌توجهی به تاریخ‌نگاری می‌باشد. سرسختی از نسبت بودن و تاریخ‌نگاری علوم انسانی دفاع می‌کرد و دیلنیا می‌گفت مبنی بر تاریخ‌نگاری، نسبت به علوم انسانی شناخته شده که داده‌ای مستقیم است. سازندگی نهایی عقیده و علم برای روش‌شناختی تفسیری است، اما دو اشکال به دیلنیا وارد شده است: نخست این که روشن‌شناختی تفسیری چگونه
هرمونتیک و علوم انسانی

هرمونتیک به عنوان روشي که در كسب دانش و تحصیل علم به كار می‌روند، بيش خصوصاً از تفکر و مباحث قرون هجدهم و نوزدهم زبان‌شناسی و نویستندگان اروپایی به وحشت می‌آید. نظريات اشخاصی چون فردیریش است و اوست ولف، زیمه‌سن گروه گروه‌نشانی بیان‌رسانی توسط شیلاپورش و نظام‌مندی آن در قالب روشي علمی به كمک دینتایی به‌صورت چنین روشن سپاری از مکاتب دیگر پس از شکل‌گیری و اشعا آن، به زبان گفتارش منتهی شدند که در تاریخ اشخاص و آثار سیاسی به‌جای سازمان‌ریزی روش هرمونتیک دانست و چسبان تاک‌گاهانه آن را در مطالعات، تحقیقات و اثبات‌های عملی کردند. نمونه‌هایی از آن ها را می‌توان بررسی داشت.

برخی از محققین به تعقیب، معیت جدید و سبب تب دینی که تائژی به ترجمه از زبان‌های دیگر بودند، در صد استثنای دست و نوشته‌های اصلی از مونت انزویه برآمدند که بعضاً امکان را تأمین گرایان نخستین داستان‌ها. دیگر، مسئولیت بودن که تلاش کردن از طریق و گاه هنگام کتاب‌های مقدس به چنین محتوا رومی و معنا را در جامعه‌ای که هر چه بزرگتر و زیبای، فلسفه و کلام ره خون و وضعیت به‌کار می‌رود، خودشان است. در اثر برجسته از اثر بهی مانده از افراط و تسلط و ایجاد مشکل به آنها آرا و نظريات حقیقتی‌شان را کشف کنند همچون اگوستوس قیس و توماس قیس در ازدواج و میسا او در تمدن اسلامی از این جمله‌ها. حقوق منحصر به‌فرد که به‌طور قانونی و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل قانون و حوزه داخلی برداشته شود با توجه به تأویل

در واقع، روش هرمونتیک، و اکتشفتی بود به جریان که بسیاری آن در علوم انسانی متداول شده بود. پس از رنسانس، پیشرفت فراوانی علوم طبیعی مانند زیست‌شناسی، طبیعت، فیزیک، زمین‌شناسی و جان‌شناسی، مکتبي گردید به‌طور پیوندیمی با متبی نژادی را شکل به‌خشنده که مدلی بود. علوم انسانی و اجتماعی نیز یا از داستان‌پرداز و کلی‌گوپیتی دهی دست کشیده‌ای تا مانند علوم طبیعی یا نه که به روش آزمون و تجربه، به علمی همان‌گونه عینی،
ازمون‌پذیر و تبیین‌پذیر دست‌یاده، دیل‌تایی به استناد روش هرمونوتیک افتاده تاکید که به‌جهت تفاوت ریشه‌ای و محتوایی علوم انسانی و اجتماعی با فیزیک و طبیعتی، باید روش‌های منفعتی را برای هر یک در پیش‌گرفته، اما تفاوت این علوم را از جنگ بینهایت می‌توانید و معرفت‌شناسی علوم اسکس. جوان طبیعت مستقل از ارادة و معرفت ما انسانها است، در حالت که جوان انسانی، متأسف از اراده ماست. به بیان دیگر، دنبال‌های طبیعی از بیرون قواعدش را بر انسان تحمیل می‌کند، اما دنبای اجتماعی توسعه اراده انسان ساخته می‌شود. دانش‌های طبیعی نوعی ضرورت و موجبیت دارد، ولی علوم انسانی، بیشتر اجتماعی و صرفاً هستند که از اختراع و ارادة انسان ناشی می‌شوند. علوم طبیعی با ماده و جنبش و گیاهان و جنگیان در کنار دانستن در حالت که در علوم انسانی، ما انسان‌هایی که پیش‌بینی‌نابینی و صاحب اراده، اختیار، اراده، آگاهی و تجربه‌ها هستند، مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند. پیامد ناساخته‌ای می‌باشد که تفاوت انسانی، در همه علوم انسانی و اجتماعی با علوم طبیعی مشابه است. در علوم انسانی و اجتماعی، موضوع پژوهش، انسان است که خود پژوهش‌گر نیست. به عبارتی، هم فعال و هم مفعول پژوهش، انسان است. در این روش، محقق می‌تواند این عملیات و چه در نظر گرفته، خود را به یک موضوع بی‌پژوهش بی‌مابردار و بدون تهران خود مطالعه قرار دهد و یا آنچه آن‌ها کننده، به عنوان نظره استخراج کننده پژوهش‌های هرمنوتیک در این عقد‌دان که به سبب تماشای موضوع پژوهش، باید بین روش‌های یکسان رفتار در این موضوع طبیعی با علوم انسانی و اجتماعی فرق قائل شد (هنان‌ی، ۱۹۸۹).}

تفاوت دوم علوم انسانی با علوم طبیعی به روز آنها برغم تغییر بی‌پروین و عینی گرایی مقدور است، ولی دانش انسانی با سرنگری و گفتار شدن محقق به‌جای انسان، مورد مطالعه تحقیق پیدا می‌کند تا نتیجه‌گیری درونی آورا را جدی بپردازد. به‌بیان دیگر، محقق به نتیجه‌گیری می‌رود، اما در این عقد‌دان، علی این است، با امروز عینی سر و کار دارد، ولی علوم طبیعی عینیت‌ تفهیم‌ناپذیر است.

روش‌شناسان هرمنوتیک معقده‌تره که شناخت‌پذیره‌ی انسانی جز‌ها در نظر گرفته‌اند. به‌جای انسان‌های جز‌ها در این مطالعه، متن، میانجی و زمانی که آن پیداها در آن شکل گرفته‌اند، مقرر نیست. هر جزه از پیداها اجتماعی و انسانی باید با در نظر گرفتن شرایط، زمان، بافت و زمینه‌ای که آن برخاسته‌اند، تأثیر گذشته در این راه، باید به‌عنوان تاریخی هر پیدایش توهیه شود، به طوری که توالی پیداها، نوعی پیوستار را از گذشته‌ها تا زمان مطالعه نشان می‌دهد. از طرفی دیگر، نوآوره‌ها، ابتکارها و خواص‌های شکل‌دهنده، پیداها انسانی و اجتماعی باید به وسیله قرار دادن محقق به‌جای فاصله‌که در
موردش تحقیقی می‌کنیم، صورت یاده‌برد. از آن طریق، محقق به تأویل دست‌خواه‌یافت که موجب شکل گیری رفتارها یا پدیده‌های انسانی شده است (حماقی، 1382، ص 44).}

"به‌طور کلی، علم هرمونوتیک به‌عنوان یکی از ابتدای شناسی همگونی که اجمالاً پیش از این گذشته، هرمونوتیک با سال‌های درمانی، هایدگر و گادامر شناخته می‌شود.

چون شلیارماخار، بینان گذر علوم هرمونوتیک نوین است. اما را کات هرمونوتیک دانسته‌اند. او هرمونوتیک را، از سن شروع شناسی می‌دانست و لذا آن را از روی فهم‌شدن مقدس به روش فهم می‌دانست. از اینکه عقیده او هرمونوتیک، روش‌ی برای پرده‌برداری از سوی ثابت می‌شود، سوء فهمی که به علت فاصله زمانی منطق و متن و از تأثیرگذاری تاریخ، سنت و ورفته‌گری مقرر، برای مفسر پدید می‌آید، هنگام تأثیرگذاری است که موجب تحمیل ذهنی مفسر بر متن می‌شود. در حالی که هرمونوتیک با ارائه قواعد فهمیدن و تفسیر، می‌کوشد از این خطا و سوء برداشت، ممانعت نماید. و ما را نیت و ذهنی واقعی مؤلف برساند و با آن تزدیک کنیم. از نظر شلیارماخار، هرمونوتیک می‌خواهد مانع از برداشت‌ها، تأویل‌ها و تفسیر‌های غلط شود. به علاوه، به باور او، برای یک تفسیر صحیح هم باید به ذهنی خصوصی مؤلف نسبت دز و آن را شناخت و هم با پیشته به واکف و زمینه فرهنگی و تاریخی که متن در آن تولید شده است. آگاه بود و نوه کرده، هارهی، 1385، ص 129.

در حالی، هرمونوتیک را به عنوان مبنایی که تنهای برای همین انسانی مطرح کرد زیرا عقیده‌اش که علم انسانی روی‌ها برای فهمیدن است ویگ علمی روی‌ها برای تبیین است، به علاوه، علم انسانی برخلاف علم علمی، تکرار ناپذیرند و تابع قوای که هم تبدیل نیستند. لذا، برای فهم و تفسیر پدیده‌های انسانی از طریق کشف نیاز، اهمیت، منشا و شخصیت‌های سازنده تاریخ، صورت‌گیری بینی مؤلف بدین مفسر باید شخصیت کسانی را که عمل حواشت تاریخ بوده‌اند را به نویسی کشف کند و باید خونی نیستند. نیاز است که هر چه خود آنها بفهمد. دیانتی با تماشای بین علم انسانی با علم علمی و علم به استحصال منیت، در صورتی که تا روش علمی برای علم انسانی باید. سپس، از روی آن تفسیر نظرات دیانتی شناخت گرفته و جا افتاده است، به آن دلیل که دیانتی هرمونوتیک را به همه اعمال و تولیدات انسانی گسترش داد. بازارین می‌توان گفت: تفاوت عمدت شلیارماخار و دیانتی آن است که دیانتی، نخستین فردی است که به دنبال روش و اسلوب تفسیر، برداخته (ریفریت، 1365، ص 15).

"به‌طور کلی، هرمونوتیک را از حیطه روش و معرفت‌شناسی، به حوزه وجوشناسی و یا همان هستی‌شناسی برد به این معنا که هرمونوتیک را از روی به فلسفه تبیین کرد و به این سان، هرمونوتیک را به عنوان تبیین‌چسبی فهم مطرح نمود. به بیان ساده‌تر، ام‌گی وگد هر تفسیری.
کاربردهای تفسیر هرمنوتیکی
علم هرمنوتیک، هم در گذشته دور و هم در گذشته نزدیک، در فهم متن هنری گرفته است. در واقع، هرمنوتیک به عنوان یک تحلیل فکری و باور و حتی مکتب دینی و آتی، از مصر طول کرده و به تدریج به سایر نقاط جهان کشیده شد. اولین کاربرد تاریخی هرمنوتیک با مصر و با علم کیمیاگری مرتبط است.
Alchemy
Abracadabra.
فرمول‌های ریاضی و تفسیرهای نظری منبعت از آن‌ها را معکوس ساخت. ویکتور فرانکل با لوگوتایپ، تأویل را به گستره روان‌شناختی و روان‌کاوی کشش‌اند (مانند، س. 327).

اما تأویل گرایی کاربردهای فراوانی هم در سیاست یافته است. به عنوان مثال: تأکید گادامر بر گفتگو در فرانکریک از اموزه هرمونتیکی و کنش ارتباطی هایبرامس بر چرایی‌های تأویل‌گرا و هرمونتیکی سیاسی، از جمله این اثرات است. چارلز نیل، در یک مطالعه از همانی به گفتگو و مذاکره‌هایی انجام شده که از واقعی‌های اجتماعی و کنش‌های جوامع مختلف برمی‌خورد. اولین پایه و پایه افراشته، را فرهنگ نظری را قلمرو دیده می‌باشد که زیربنای کنش‌های سیاسی را تشکیل می‌دهد و به آن‌ها معنا می‌دهد.

در علم جدید روان‌شناختی سیاسی، به‌گونه‌ای در پوشه بازرسی (خانواده و مدرسه) توجه می‌شود که بر بستر آن، شخصیت‌های برخورش‌هایی که باهم چنین در همراه با سیستم سیاسی قرار

متیو گیتس با سمت همان گرایی شخصی تماشا به‌پا می‌کند.

در هرمونتیک سیاسی منبتی بر گفتگو که از کاربردهای علم هرمونتیک به شمار می‌آید، سؤالی از این دست معیار می‌شود: آیا هر کسی می‌تواند می‌تواند به عنوان نماینده یک ملت یا تمدن نشست، می‌توانیم و یا نماینده حقیقی آن‌ها باشیم؟ (شواهت، س. 328).
امپراتور بیت بر آن بود تمایلی بین دهن و عین هست اما در تفکرات و پژوهش‌های هرمونوتیکی چنان تمایلی رعایت نمی‌شود. او در انتقاد از گذشته‌ای اضافه می‌کند: براً اساس کدام دلیل یا نتیجه به معنای متن و مقصود مؤلف، یا نتیجه باشد؟

آیا استدلال می‌کند که تفهیم همواره خالی از اشکال نیست، یک باید انتباخ آن را سنجید و به میزان اعتبار آن را دقت دهد. همچنین می‌افزاید: هنر های دکتر و هنر گدام برای ایجاد انتظارات هرمونوتیکی خود، دلایل متقن ارائه نکرده‌اند.

به طور خلاصه، انتقاد از روش‌شناسی هرمونوتیکی عبارتند از: آب‌زمین ناچیزی؛ استنداردها به همانی و گذاشت نخوید به جای دیگری، هرگز ملاک مشخصی تعیین نمی‌کند تا یک ربات هک کدام محقق به آن حکم آشکار، تالی در علت است، از این رو، روش هرمونوتیکی از نسج بین مثال‌های آزمون‌دهنده، دور می‌ماند (نیور، 2032).

افراط در دولت‌زایی و نگاه کمی، توجه به این انتقاد به کپی‌گرایی و درون‌گرایی، این را از تکرار تذکری و قابلیت بررسی توسط دیگران، که از خصوصیات روش‌های علمی است، دور می‌سازد.

نتانشاتی غیرقابل حل: در روش هرمونوتیکی، توصیه می‌شود که محقق می‌پایت آرزش‌های انسانها را برای تفهیم رفتار کنسرانت بررسی کند. ولی باید ارزش‌های خود را کنار بگذارد، این امر چگونه مقدور است؟ وقتی که محقق برای تفهیم معنایی رفتار کنسرانت، باید از یک طرف خود را به جای ای یا دیگران و از طرف دیگر از ارزش‌های خود خالی شود.

عدم آشنا با علوم شیمی و تپیسی و روش‌های آنها با شناختی مکفی از روش‌شناسی علوم شیمی و علوم انسانی و اجتماعی، در خواهیم یافته، آنچه موجب شده تا روش‌شناسان هرمونوتیک، موضوع و روش تحقیق را در علوم اجتماعی از علوم تپیسی جزء متمایز دانستند، از عدم شناخت این علوم اجتماعی ناشی می‌شود، بلکه این از موضوعات و روش‌هایهای که بسته به علم فیزیک و علوم تپیسی، آگاه دیده‌اند، و از آن برداشته تخصصی ناشستند.

ناممکنی ذوب در افق‌ها: به ادعای اصحاب هرمونوتیکی، بخش زیستی زیر زمینه از تأثیر‌های ما در حوزه معنا ناشا ناگه دهنی ماست که باگاهی نمی‌رسد، ولی در تأثیر ما، تعیین کننده‌اند و همان‌ها تک‌تولید را مقصد می‌سازند. به بیان دیگر، محقق برای ذوب‌ها می‌پایت خود را به جای کپی‌گرایی که موضوع تحقیق، بیکاری و از طرف دیگر، فاقد از اندیشه‌های ارزشی خود باشد و این تناقض اشکال را می‌رساند. چرا که بنابر ادعای طرفداران هرمونوتیک، آن‌چه را که درک می‌کنیم، از مفاهیم بیشتر ناکوشاگاری می‌یابیم. در چنین شرایطی محقق هر بار که درتصدیق برآید نا خود را از ارزش‌های نهایی سازد، تنها خود را از ارزش‌های حوزه آگاهی
خلاص می‌سازد و طبقه‌بندی‌های ارائه‌شده ذهنی از حوزه ناگاه همچنان در درک و تاويلش در تحقیق دخیل خواهد بود (حقیقی، ۱۳۸۶، ۴).

ارزیابی دینی هرمونیک

با وجود انتقادات وارده بر هرمونیک، می‌توان از آن در فهم منتن قبضه چون قرآن و کتب حکیمی که باید در جهان اسلام و در بین مسلمانان راهنمای عمل قرار گیرد، بهره‌گرفت‌زیر استفاده از تفسیر و تأویل، ساقه طولانی در علوم اسلامی به ویژه در علم تفسیر دارد. تفسیرهای عقایل، نقل و علمی از قرآن از نمونه‌های استفاده از علم تأویل در علوم اسلامی است. مثال دیگر، در تفسیر قرآن به‌قارن، به شان نزول آیات برای درک شرایط زمانی و مکانی نزول آیات، جهت چی به‌رنده به نبی مؤفف که در اینجا خداوند متعل است، همانند علم هرمونیک جدید، مورد توجه است، بنابراین سابقه طولانی مفید در تفسیر تأویل قرآن باید از آن در تفسیر علوم مقدس دیگر چون کابیرد حديث در زندگی امروزین، بهره بیشتر گردد (مجتهدی‌پور، ۱۳۸۲، ۷۲-۷۳).

در حوزه اصل دین، نمی‌توان و نباید مانند نظرهای بزاده‌رای هرمونیک بگفت: هچی هم و برداشت‌تلایی در باورها و قرارهای انسانی و یا دینی وجود ندارد، اما با هدف‌رفت: در حوزه‌های غیر از آن، فنون و وجود برداشت تلایی و قطعی از دین وجود دارد و تری در این حوزه است که می‌توان نسبی بودن فهم هرمونیکی را ذکر کرد. منظور این است که نمی‌توان همه برداشت‌های مسلمانان عالم با یا علوم از دینا بر اصل دین، یکی دانست. بلکه این امر، متعدد است از جمله: مسلمانان به یاد علوم مسلمانان نمی‌توانند به درستی زمینه‌های اجتماعی نزول آیات دریافت تا این راه مفصول واقعی مؤلف را کشف کند.

با وجود که هرمونیک می‌گوید، مفسر را از تحمیل‌باروی‌های بر متن مورد تفسیر، دور سازد، ولی همان‌گونه که ریکار افته است، اغلب، عکس آن اتفاق می‌افتد در حالی که به عقیده او این مفسر است که باید متن بر را به تحمیل نماید. همین موضوع در تفسیر کتاب مقدس مسلمانان وجود دارد. تفسیر به رأی دافع حکایت از همین مفسران در دنیای گذشته و فلسفه اسلام تصویب. در تفسیر به رأی، مفسر نظرات خود را بر متن کتاب مقدس تحمیل می‌کند. نتیجه‌های که خود مایل به آن است، به دست آید. نتیجه تفسیر به رأی همانند تحمیل نظرات مفسران در دنیای حوزه‌های علوم بشری، سازنده نیست.

تنها که از نکته تقیی به دست می‌آید، آن که هرمونیک اغلب، مفسر مصور است، به معنی به وصع‌ها تحمیل نظرات مفسر بر متن منجر می‌شود، تا حالتی که باید مشترک و مؤلف صحیح باشد. تنها در این صورت است که مفسر می‌تواند به قصد و نتیج مؤلف در یک یا چند متن پی برد.
همین موضوع در علوم مقدس هم به چشم می آید به عوامل مالک مجتهد در یک درک مراد و قصد واقعی گونه‌های مقدس چون احتمال برای استنباط رای فقهی خداوند گاه نظرات خود یا آن اطلاع تحلیل می کند و نتیجه‌گیری گه خود می‌خواهد و یا می‌بله به آن دارد را

استخراج می کند (همنان 1344: 98-99).

نمی‌توان در همین حال، مفسر را از دخلات دادن پیش‌فرض‌های ذهنی‌اش در فهم متن

بازداشت، زیرا برخی از این پیش‌فرض‌ها مقدمات درک یک متن چون مقدس‌اند، مثل

قواعد ادبی و زبان شناختی که مجتهد بر اساس آن به فهم متن دنیی می‌پردازد و

پدید آنها، مجتهد قادر به اجتماع و دریافت نظر خدا در موردی از موارد قه‌نیست. به

علاوه، برخی از این پیش‌فرض‌ها، کلامی است مانند گمانه بودن خداوند یا با حسیت قرآن که

مجتهد نمی‌تواند به آنها در استفاده از آیات قرآن در بحث‌های چون اثبات خود یا توجه بی‌مانند.

نکته‌ششی که از درون نکته پنجم به دست می‌آید آن است که برای توصیه و نظرهای

افزایش معتقد به دست یافتن بیوندگی و ذات دین، نیازی مانع از بهره‌گیری از روش‌های

هرمونتیک در بیشتری دین گردد و یکی در دنبای پیچیده اموروز و پیچیده‌تر فردی، بدون سودری از

هرمونتیک در نوآوری دنیی از طریق پی بردن به نتایج واقعی دنیی، می‌سر نیست. نوآوری دنیی

به عنوان نیاز دنیای جدید اسلام بر پایه ضرورت کاربرد روش‌های ت جديدة نوینی چون هرمونتیک در

خاک‌زدایی از دین، از نیازهای اجتماعی‌نازگ امروزین است.

بدین توجه بناه که اغلب برداشت‌های مختلفی که یک یا چند واقعه تاریخی به شیوه هرمونتیک چه از سوی نخیگان و چه از سوی علوم سلمندان

صوت می‌گیرد در طول هرودان اما گاه، برداشت‌های هرمونتیک از آیات، احادیث و حوادث 

دلایل مختلف از جمله درجه و میزان نظری و غیره مسر به قصد و نتیج مؤلف و گونه‌هند، در

نارض می‌نیم چه قرار می‌گیرند چی از تک‌گونه‌های هرمونتیک مقدس به دست

می‌آید، اثبات کننده آن است که دین برای اداره جامعه آمرد است، در واقع، هرمونتیک، کارایی

دین در اداره جامعه را اثبات می‌کند.

یکی از اشكال‌ها و پدیده‌های که به هرمونتیک از سوی مدرن‌تره زده می‌شود، بی‌پایه خوددن

آن با سنت است. در این باره، به‌ویژه در سیستم دیدگاه هرمونتیک، به ویژه دیدگاه گوادام را نتیجه و

تکمیل می‌کنند یا با نقد هانرمنس درپاره گوادام تا حدا موفقیت است و می‌گویند: خوشبینی بیش

از حد گوادام به سنت نمی‌تواند پذیرش خود و این امر، سبب خطر‌های می‌شود در حالی که

بدون گذشته چگونه می‌توان امروز و قرفا را فهمیده و مدیریتی کرد، البته مهر گذشته و مسئله از

ظرفیت‌سازی رشد دهندگی برخوردار نیست. در واقع، سنت را بايد یک صندوق ذخیره ديد که
نتیجه:  
همون‌تایی همچنان زندگی است و مانند گفته‌شده مددکار مفسران در تفسیر سخن‌ها و نوشته‌های هم‌های یاد کرده که روزی که تجربه گرایش بشت یا فروشگاه کرده از این روز گرفته شده، به همین نیازهای تحلیلی بشر پاسخ دهد و به عنوان همان میزان روش‌های تفسیری سربرآوردهاند. به هر روز، همیشه تفسیریکی یا هر فکریکی یا همان تجربه‌ای است، اما به‌شخص‌هاند اغلب آنان، با بد روش‌های همون‌تایی و روش‌های تفسیری را ضبط‌می‌نماید و معقول‌نمود.

فهرست منابع:
1. احمدی، پاک، ساختار و همون‌تایی، چاپ سوم، تهران: گام، نو: 1382.
2. پاسخی، زاناز، گزیده هم‌تایی، ترجمه سید جهانگیری، ابادان، پرستش: 1380.
3. پالمر، بری، علم هم‌تایی، ترجمه محمد مسعود حسنی کاشانی، تهران: هرمس، 1384.
4. حقیقت، سید صادق، روش شناسی علم سیاسی، تهران، مهیده، 1385.
5- خالقی، احمد، قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتگو فلسفی - سیاسی معاصر، تهران، گام، نو، 1385.

6- دیرینه، مسگل، از هرمنوتیک متن کهن تا متن سیاست رهایی بخش، ترجمه حسین مصباحیان، تهران: نشر کوچک، 1385.

7- ریکور، پ.، زندگی در دنیای متن: شش گفتگو و یک بحث، ترجمه باک، احمدی، چابچه، تهران، نشر مرکز، 1384.

8- رهبری، مهدی، سیاست و هرمنوتیک، تهران: کویر، 1385.

9- ساکالافسکی، رابرته، در آمیزه بر پدیدارشناسی، ترجمه محمد رضا قربانی، تهران: گام، نو، 1384.

10- کارل گوسواد، یونگ، روانشناسی و کیمیاگری، ترجمه پریوین فرآذری، مشهد: آستان قدس، 1373.

11- مجیدی‌شیری، محمد، هرمنوتیک، کتاب و سنت، چاب، تهران: طرح، نو، 1384.

12- منچرهی، عباس، رهایی و روش در علوم سیاسی، تهران: سمت، 1383.

13- علی، و.، هرمنوتیک، ترجمه همايون همتی، تهران: فرهنگ، شماره 14-10، (آبان، 1385).

14- حقیقی، شاهرخ، هرمنوتیک و نظریه انتقادی، فصل نامه مدرس، شماره 4، تیر، 1384.

15- بیات، عباس‌رضا و دیگران، فرهنگ واژه‌های قدیمی، قم: اندیشه و فرهنگ دینی، 1381.

bashgah.net

nasour.ir

(آبان، 1387)

گناه‌شناسی

1- دیوید مارش و جری استوک، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی‌پور، تهران: گوهرشکوه، مطالعات راهبردی، 1384.

2- رحیمی‌زاده، محمد رضا، هرمنوتیک، تهران: نشر کوچک، 1378.

3- فرشادی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، چاب، تهران: نشر کوچک، 1381.

4- کازرونی، علی، پدیدارشناسی و سینما، ترجمه علاءالدین طباطبایی، تهران: هرمس، 1382.

5- احمدرضا جوزلی، هرمنوتیک فلسفی و نظریه ادبی، ترجمه مسعود علی‌امامی، تهران، ققنوس، 1381.
6- رضوی، محسن، اشتراوس و روش‌شناسی فیلیپ فلسفه سیاسی اسلامی، فصل نامه علوم سیاسی، شماره 28 (تابستان 1385).

7- ریکور، پل، رساله هرمونیک، مجله فرهنگ، شماره 9 (دی 1368).